Scientific quarterly (scientific-research article) of Islamic world political research.
Vol. 12, No. 1, Spring 2022, 45-76
DOI: 10.21859/priw-120103

Discourse Analysis on the Discourse of the Freedom Movement of Iran (Constitutional Monarchy) on the Eve of the Islamic Revolution of Iran

Hoseinali Ghajari[1]

Date of Received: 2021/11/08 **Date of Acceptance**:2022/03/16

Abstract

One of the most important and influential discourses in the political and social developments of Iran, which emerged from the constitutional period in Iran and became hegemonic and also played a role in the events leading up to the Islamic Revolution of Iran with the carrier of the Freedom Movement of Iran, is the discourse of the constitutional monarchy. According to the importance of this discourse, the purpose of this article is to study the discourse of the Freedom Movement of Iran before the revolution through the approach of discourse analysis and in the form Laclau and Mouffe's theory, and to the main question, from the perspective of discourse analysis, what are the dimensions and components of the Constitutional Monarchy (National Front)? Pay. The conceptual framework of this paper is the theory of discourse analysis Laclau and Mouffe and its method is discourse analysis method. This paper focuses on the main texts and first-hand speeches of the carriers of this discourse, namely Engineer Mehdi Bazargan and Dr. Mohammad Mossadegh, and by means of discourse analysis, he tries to explore and analyze this discourse. The findings of this paper indicate that the discourse tries to make sense of all four political, social, economic and cultural dimensions of society and with emphasis on the material world gives meaning to both material and spiritual worlds. The focal point in this discourse is the law. The main slab (identity) in this discourse is Iranian, but after Iran, the word Muslim also indicates the identity of individuals in this discourse. The empty slabs of this discourse are: independence, freedom, law, genuine Islam. This discourse negates the authoritarian monarchy, socialism, absolute liberalism and the discourse of the Islamic monarchy, and suggests a constitutional monarchy that is based on the Constitution and observance of sharia law as an ideal and desirable situation for Iran.

Keywords: Discourse, Iranian Freedom Movement, Constitutional Monarchy, Mehdi Bazargan, the myth.

1. Assistant Professor, Department of Sociology, Payam Noor University, Faculty of Social Sciences, Tehran, Iran , h_ghajari@pnu.ac.ir

Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/ or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]
[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال دوازدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۱

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال دوازدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۱، صص ۷۶ – ۴۵

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۲۰۱۰۳

تحلیلی گفتمانی بر گفتمان نهضت آزادی ایران (سلطنت مشروطه) در آستانه انقلاب اسلامی ایران

حسینعلی قجری[۱]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]

چکیده

یکی از گفتمانهای بسیار مهم و تأثیرگذار در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران که از دوران مشروطه در ایران ظهور پیدا کرد و دورانی هم هژمونیک شد و در حوادث منتهی به انقلاب اسلامی ایران با حاملیت نهضَت آزادی ایران، نیز نقش آفرینی نمود گفتمان سلطنت مشروطه است. بنا به اهمیت این گفتمان، هدف این نوشتار این است که با رویکرد تحلیل گفتمان و در قالب نظریه لاکلاو و موفه به بررسی گفتمان نهضت آزادی ایران در قبل از انقلاب بپردازد و به این سؤال اصلی که از منظر تحلیل گفتمان ابعاد و اجزاء سلطنت مشروطه(جبهه ملی) کدامند؟ بپردازد. چارچوب مفهومی این مقاله نظریه تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه و نوع روش آن، روش تحلیل گفتمان می باشد. مقاله حاضر با ابتنا بر متون اصلی و گفتارهای دست اول حاملین این گفتمان یعنی مهندس مهدی بازرگان و دکتر محمد مصدق و به روش تحلیل گفتمان به کنکاش و تحلیل در این گفتمان همت می گمارد. یافته‌های این مقاله دال بر این است، که گفتمان مذکور سعی در معنا دهی به هر چهار بعد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه دارد و با تاکید بر جهان مادی به هر دو جهان مادی و معنوی معنا می‌بخشد. نقطه‌ی کانونی در این گفتمان قانون است. دال برتر(هویت) اصلی در این گفتمان ایرانی است ولی پس از ایرانی واژه مسلمان هم مبین هویت افراد در این گفتمان می باشد. دال‌های تهی این گفتمان عبارتند از: استقلال، آزادی، قانون، اسلام اصیل. این گفتمان، سلطنت استبدادی، سوسیالیسم، لیبرالیسم مطلق و گفتمان سلطنت‌اسلامی را نفی و سلطنت مشروطه را که مبتنی بر قانون اساسی و رعایت کننده قوانین شرعی باشد به عنوان وضع ایده‌آل و مطلوب برای ایران پیشنهاد می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: گفتمان، نهضت آزادی ایران، سلطنت مشروطه، مهدی بازرگان، اسطوره

۱. استادیار گروه جامعه شناسی، دانشگاه پیام نور، دانشکده علوم اجتماعی، تهران، ایران h_ghajari@pnu.ac.ir
Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

۱. مقدمه و طرح مساله

گفتمان نهضت آزادی ایران(سلنت مشروطه) یکی از گفتمان‌های مهم موجود در نظم گفتمانی در ایران می‌باشد. هر چند مباحث مربوط به مشروطیت از اواخر دوران قاجار در ایران نضج پیدا می‌کند و گفتمان نهضت آزادی ایران در این خصوص، با شکل گیری جبهمه ملی و نهضت آزادی شهور و با مسئله‌ی‌نفت و ملی‌شدن آن و تشکیل جبهه‌ی ملی از حاشیه پا به متن می‌گذارد و در فرایند منتهی به انقلاب ۱۳۵۷ایران، در کنار سایر گفتمانها، فعالانه به کنشگری سیاسی می‌پردازد. در دهه‌های قبل از انقلاب گفتمانهای متعددی(گفتمان سوسیالیسم، سوسیالیسم اسلامی، گفتمان دموکراسی هدایت شده، سلطنت استبدادی و ...) در نظم گفتمانی آن دوران حضور داشتند. همانگونه که ذکر آن رفت، یکی از این گفتمانهای مهم، گفتمان نهضت آزادی است که با کمی تسامح می توانیم آن را بر اساس سلطنت مشروطه بنامیم. برای فهم انقلاب اسلامی شناخت گفتمانهای مختلف در نظم گفتمانیت از جمله گفتمان سلطنت مشروطه ضرورت دارد. این گفتمان ماحصل تلاقی سنت و تجدد و رویارویی ایران با غرب است. این گفتمان با انقلاب مشروطه در عرصه سیاسی و اجتماعی ایران رایج شد و با بی‌قراری و از جاکندگی گفتمان سلطنت اسلامی، توانست در مدت کوتاهی به‌طور نسبی هژمونیک شود. ولی بنا به دلایلی ، به واسطه کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ به حاشیه رانده‌شد و گفتمان سلطنت استبدادی استیلا یافت و غالب‌شد. این غالب شدن گفتمان سلطنت‌استبدادی به معنی از بین رفتن مطلق گفتمان سلطنت‌مشروطه و سایر گفتمان‌ها نبود. بلکه آن‌ها در حاشیه‌ی متن منتظر فرصت برای حضور در متن بودند. گفتمان سلطنت مشروطه و سایر گفتمان‌ها تا شهریور ۱۳۲۰ به دلیل اختناق حاکم همچنان در حاشیه‌ی متن بودند و با فضای بازسیاسی بعد از شهریور ۱۳۲۰به میدان آمدند. در جریان ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۲۸گفتمان سلطنت مشروطه خود را در هیأت جبهه ملی به رهبری دکتر محمد مصدق نمایان ساخت. به عبارت دیگر، این گفتمان توسط جبهه ملی نمایندگی می‌شد. اما با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲این گفتمان مجدداً به شیوه‌ی غبر زبانی به حاشیه رانده شد تا این که با فضای باز سیاسی بین ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ خود را دوباره جلوگر ساخت اما بنا به دلایلی مورد اقبال واقع نشد در نتیجه بخشی عمده‌ای از حاملان این گفتمان به سمت اقتباس از گفتمان‌اسلامی گرایش پیدا نمودند و نهضت آزادی[1] را بنیان‌گذاری کردند. از این به

۱. در سال‌های آغازین دهه‌ی چهل شاه به امید اجرای اصلاحات ارضی و خلع سلاح رقبای خود، از فشار فضای سیاسی کاست و فضای سیاسی کشور را باز کرد. بازرگان و همفکران او از این فرصت استفاده کردند و با بهره‌گیری از تجربه‌ی فعالیت در نهضت مقاومت ملی، تصمیم گرفتند گروه سیاسی دیگری را به وجود آورند که هویت مذهبی داشته باشد و بر ضرورت حکومت دموکراتیک تأکید ورزد. از این روی نهضت آزادی ایران را در بیست و پنجم اردیبهشت ماه هزار و سیصد چهل بنیان نهادند. نهضت آزادی در جهت‌گیری های سیاسی خود دو محور را در نظر گرفت:
محور نخست، تأکید بر اصول اسلامی و هویت اسلامی جامعه بود. اسلام برای نهضت آزادی حکم پوسته را داشت که بر حول

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]

بعد گفتمان سلطنت مشروطه غیر مذهبی دیگر از چندان رونقی برخوردار نیست. در دهه‌ی ۱۳۴۰ به بعد، گفتمان سلطنت‌مشروطه‌ی غیرمذهبی به دلیل ناکامی‌های پیاپی و متعاقب آن جدایی نهضت آزادی و برخی گروه‌های دیگر از آن دیگر حضور پررنگی ندارد و گفتمان سلطنتی مشروطه با تمایلات مذهبی به گفتمانی رایج و قابل‌ذکر تبدیل می‌شود. گفتمان سلطنتی مشروطه با گرایشات مذهبی در واقع دنباله‌ی همان گفتمان مشروطه‌ی غیرمذهبی است و همچنان خود را مقید به اصول‌گفتمان مشروطه(اصول قانون اساسی مشروطه و دکتر محمدمصدق) اما با روکش مذهبی می‌داند. این گفتمان توسط نهضت آزادی و به‌طور خاص رهبری نهضت آزادی مهندس مهدی بازرگان نمایندگی می‌شود. نهضت آزادی از دل جبهه ملی بیرون آمد و همیشه خود را وفادار به جبهه‌ی ملی می‌دانست(ابراهامیان ۱۳۷۸، نجاتی ۱۳۷۱)

با توجه اهمیت نهضت آزادی ایران در تحولات ایران و همچنین نقش آفرینی گفتمان این نهضت(گفتمان سلطنت مشروطه) شناخت گفتمان این نهضت از منظر علمی یک ضروت تحقیقی است و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نکته قابل ذکر این که، در این میان در عرصه روش شناسی، یکی از رویکردهایی که یکی دو دهه اخیر به دلیل داشتن ماهیت بین‌رشته‌ای و نقدهای متعدد نسبت به رویکردهای موجود در مطالعه پدیده‌های اجتماعی، رشد گسترده‌ای داشته و در حوزه جامعه‌شناسی رسوخ روزافزونی پیدا کرده است تحلیل گفتمان[1] می‌باشد. تحلیل گفتمان که برآمده از انتقادات وارده به سایر رویکردهاست از توان خاصی برای توصیف و توضیح گفتمان‌های مختلف برخوردار است.

با توجه به اهمیت گفتمان سلطنت مشروطه و قابلیت‌های تحلیل گفتمان، این مقاله در تلاش است با استفاده از روش تحلیل گفتمان به عنوان یک روش مفید برای مطالعه اندیشه‌ها و گفتمانها بویژه از طریق بررسی متون گفتاری و نوشتاری اصیل و دست اول، به مطالعه و تحلیل روشمند و علمی این گفتمان بپردازد و به سؤال‌های زیر پاسخ دهد:

سؤال اصلی

منظر تحلیل گفتمان ابعاد و اجزاء سلطنت مشروطه(جبهه ملی) کدامند؟

محور مشروطه و اصول آن قرار می گرفت.

محور دوم، تأکید بر ضرورت حکومت دموکراتیک و مشروط به قانون اساسی بود. ضرورت حکومت دموکراتیک و مشروطیت در گفتمان نهضت آزادی حکم هسته را داشت.

بنیان‌گذاران نهضت آزادی، خود را ادامه دهندگان نهضت مقاومت ملی، جبهه‌ی ملی و پیشتر از آنها انقلاب مشروطه می دانستند. به قانون اساسی استناد می‌کردند و حکومت شاه را در چهارچوب مشروطه می‌خواستند. مهندس مهدی بازرگان، آیت الله سید محمود طالقانی، دکتر یدالله سحابی، مهندس منصور عطایی، حسن نزیه، رحیم عطایی و عباس سمیعی از مجموعه‌ی بنیان‌گذاران نهضت آزادی بودند(رضوی نیا۱۳۷۵: ۱۸-۱۷).

1. discourse analysis

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]

سؤالهای فرعی

- این گفتمان به چه جنبه‌های از جهان معنا می‌دهد؟ چه معنایی به این جنبه می دهد؟
- نقطه یا نقاط کانونی، دال برتر، دال تهی، دقایق و اسطوره این گفتمان کدامند؟
- این گفتمان چه سوژه‌هایی را خلق و معرفی می کند؟
- هر سوژه دارای چه هویتی است و چگونه تعریف می شود؟
- موقعیتهای سوژه ای این گفتمان کدامند؟

۲. ضرورت و اهداف تحقیق

با توجه به اینکه هدف جامعه شناسی فهم پدیده‌های مختلف اجتماعی است و برای این فهم از دیدگاههای و روشهای مخلف سود می‌جوید باید اذعان نمود که یکی از مهمترین پدیده‌های اجتماعی ظهور و بروز انقلابهاست که در آنها گفتمانهای متعددی بروز و ظهور پیدا می کنند. در انقلاب ایران به عنوان انقلابی جدید، گفتمانهای متعددی ظهور پیدا نمود که یکی از آنها گفتمان سلطنت مشروطه است که از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی در ایران از جایگاه خاصی برخوردار بوده‌است و شناخت و فهم آن از رویکردهای مختلف- بطور خاص رویکرد تحلیل گفتمان- یک ضرورت علمی است. با عنایت به این ضرورت، مقاله حاضر در راستای تحقق اهداف زیر به نگارش درآمده‌است:

- ارایه توصیفی دقیق و نظام مند با کمک تحلیل گفتمان از گفتمان سلطنت مشروطه
- شناخت ابعاد و اجزا مهم و اصلی گفتمان سلطنت مشروطه بر اساس نظریه گفتمان لاکلاو موفه

۳. پیشینه تحقیق

تحقیقی دقیقاً تحت همین عنوان انجام نشده‌است اما تحقیقات متعددی با رویکردهای مختلف در خصوص نهضت آزادی و جبهه ملی انجام شده‌است. هیچکدام از تحقیقهای انجام شده به گفتمان نهضت آزادی(سلطنت مشروطه) از منظر تحلیل گفتمان نپرداخته‌اند. غالب این نوشتارها یا به ذکر زندگی و فعالیت سیاسی و بیان خاطرات و .... دکتر محمد مصدق و مهندس مهدی بازرگان اهتمام نموده‌اند و یا از منظر تاریخ و سیاسی به بررسی فعالیتها، عملکرد و اقدامات نهضت آزادی و شکل گیری و فرایند و افت وخیز سلطنت مشروطه پرداخته‌اند. برخی از این مطالعات عبارتند از:

حوادی نیا و باقرپور (۱۳۹۸) با رویکرد تاریخی و تحلیلی نقش نهضت آزادی در سقوط نظام شاهنشاهی را مورد بررسی قرار داده‌است. حاجی زاده(۱۳۸۵) مواضع نهضت آزادی در مواجه با انقلاب اسلامی را

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]

مد نظر قرار می‌دهد و به شیوه تاریخی این موضوع را بررسی می کند. لؤلؤیی(۱۳۹۲) مواضع سیاسی نهضت آزادی در سالهای آخر سلطنت پهلوی را ذکر و آنها را بررسی می‌کند. کجباف(۱۳۸۵) به بررسی رابطه نهضت آزادی و جبهه ملی دوم و نهضت امام خمینی می پردازد. حسنی فر و تقوی مقدم(۱۳۹۴) بررسی مواضع سیاسی نهضت آزادی در سالهای آخر سلطنت پهلوی و مقایسه آنها با سایر جریانهای فکری و سیاسی مورد توجه قرار می‌دهند. برخی دیگر از نوشتارها، به مواضع نهضت آزادی بعد از انقلاب اسلامی نظر می افکنند و عده‌ای دیگر هم اصول مشروطه و قانون اساسی مشروطه را مورد بررسی قرار می‌دهند.

تفاوت مقاله حاضر با تحقیقات پیشین این است که در میان تحقیقات صورت پذیرفته، مقاله حاضر، بر خلاف سایر پژوهشها که صرفاً به تاریخ نگاری و بررسی سیاسی و تاریخی این موضوع با استفاده از روشهای غیر گفتمانی پرداخته‌اند، تنها نوشتاری است که با رویکرد گفتمانی لاکلاو و موفه به تحلیل گفتمان نهضت آزادی ایران و سلطنت مشروطه می‌پردازد و ابعاد و عناصر گفتمانی آن را مشخص می نماید.

٤. چارچوب مفهومی

چارچوب مفهومی این مقاله نظریه معنای لاکلاو و موفه‌است. لاکلاو و موفه نظریه گفتمان خود را بر مبنای جریانهای نظری و فلسفی مختلفی چون واسازی دریدا، تبارشناسی و دیرینه‌شناسی فوکو، روان کاوی لاکان، پدیده‌شناسی هوسرل و هایدگر، پراگماتیسم رورتی، زبان شناسی و نشانه شناسی مدرن، رهیافت فراتحلیلی ویتگنشتاین و هژمونی گرامشی بنا نهاده‌اند(لاکلاو و موفه ۱۹۸۵).

نظریه معنای لاکلاو و موفه که مبتنی بر ساختارگرایی است ابزار مناسبی را برای توصیف گفتمان و اجزای تشکیل دهنده آن فراهم می‌کند. لاکلاو و موفه برای توصیف هر گفتمان، از مفاهیم زیر استفاده می کنند: نقاط کانونی[1]، انجماد[2]، دقیقه[3]، عنصر[4]، مفصل بندی[5]، دال شناور[6]، دال تهی[7]، دال برتر[8]، موقعیت سوژه‌ای[9] و هویت. در زیر ابتدا مفاهیم فوق تعریف و سپس ارتباط آنها با همدیگر، توضیح‌داده خواهد شد:

1. nodal point
2. closure
3. moment
4. element
5. articulation
6. floating signifier
7. Empty signifier
8. Master signifier
9. Subject position

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]

نقاط‌کانونی: به نظر لاکلاو و موفه یک گفتمان با تثبیت نسبی معنا حول نقاط کانونی شکل می‌گیرد (لاکلاو و موفه، ۱۹۸۵: ۱۱۲). نقطه کانونی یک نشانه‌ی ممتاز است که نشانه‌های دیگر اطراف آن مرتب شده‌اند؛ نشانه‌های دیگر معنایشان را از ارتباط با نقطه کانونی بدست می‌آورند.

عناصر: عناصر نشانه‌هایی هستند که معنایشان هنوز تثبیت نشده‌است، یا به عبارت دیگر نشانه‌هایی هستند که معانی چندگانه‌ای دارند.

دقایق: عناصری هستند که معنایشان در درون گفتمان و توسط مفصل بندی گفتمان تثبیت شده‌است با استفاده از مفهوم عنصر و دقیقه می‌توان گفت که گفتمان تلاش می‌کند تا بوسیله کاهش چند معنایی به یک معنی کاملاً تثبیت شده "عناصر" را به "دقیقه‌ها" تبدیل کند(همان۱۱۰).

مفصل بندی: بنظر لاکلاو و موفه، یک کلمه خودش نمی گوید که چگونه باید در ارتباط با دیگر نشانه‌ها برای معنی دار شدن قرار داده شود بلکه این کار توسط مفصل‌بندی انجام می‌شود. لاکلاو و موفه مفصل‌بندی را به هر عملی که بین عناصر رابطه برقرار می‌کند، بطوریکه هویت عناصر تغییر داده شود، تعریف می‌کنند. (یورگنسن و فیلیپس ۲۰۰۲: ۲۸).

دالهای شناور: نظریه تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه برای عناصری که پذیرای توصیفهای مختلف هستند از اصطلاح دالهای شناور استفاده می کند. دالهای شناور نشانه‌هایی هستند که گفتمانها مختلف برای معنا دادن به آنها به شیوهی خودشان با همدیگر مبارزه می‌کنند. نقاط کانونی، دالهای شناور هستند. (همان۲۹-۲۸).

دال تهی: لاکلاو مفهوم ساختاربندی گفتمانی را با معرفی مفهوم دال تهی بسط داده‌است. در نظریه گفتمان، عرصه اجتماعی هرگز بسته نیست و کردارهای سیاسی سعی می کنند تا این عدم انجماد را رفع کنند. اگر چه تمامیت و کلیت اجتماعی هرگز غیر قابل دسترس است، ضرورتش را هرگز نمی توان نادیده گرفت حتی اگر انجماد کامل در هیچ جای جامعه قابل تحقق نباشد.(دیوید هوراث و یانیس استاوراکاکیس ۲۰۰۰: ۹-۷).

بنابراین مفصل بندی یک گفتمان سیاسی می تواند حول یک دال تهی که بعنوان یک نقطه کانونی عمل می‌کند اتفاق بیفتد.

موقعیت سوژه‌ای: بنظر لاکلاو و موفه گفتمانها موقعیتهایی را برای مردم طراحی می کنند که مردم آنها را بعنوان سوژه اشغال کنند. (یورگنسن و فیلیپس ۲۰۰۲: ۴۱).

دال برتر: نظریه گفتمان لاکلاو و موفه در مورد سوژه متأثر از لاکان نیز هستند. لاکان از دالهای برتر

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]

صحبت می کند که به زبان لاکلاو و موفه می توانیم آنها را نقاط کانونی هویت بنامیم(لاکلاو و موفه ۱۹۸۵: ۱۲).

هویت: نظریه گفتمان راهی را که کردارهای اجتماعی بطور نظام مند هویت سوژه‌ها و ابژه‌ها را با مفصل بندی مجموعه ای از عناصر دلالتگر امکانی و قابل دسترس در یک قلمرو گفتمانی شکل می‌دهند مورد بررسی قرار می‌دهد. نظریه گفتمان بر امکانی بودن همه‌ی هویتهای اجتماعی تأکید دارد، ولی با این وجود تأکید می‌کند که تثبیت جزیی ممکن و ضروری است(دیوید هوارث و یانیس استاوراکاکیس۲۰۰۲: ۷).

ما اکنون می توانیم همه اصطلاحات را به یک دیگر مرتبط کنیم. بر اساس نظریه لاکلاو و موفه گفتمان مجموعه‌ای از دالها است که حول یک یا چند نقطه کانونی، دال برتر یا دال تهی مفصل بندی میشوند. عمل مفصل بندی باعث می‌شود که به دالها و سوژها معانی، هویتها و موقعیتهای خاصی تخصیص داده شود. تخصیص موقعیت، معنا و هویت خاصی باعث طرد سایر معانی، هویتها و موقعیتها می شود. این معانی، موقعیتها و هویتهای طرد شده وارد قلمرو گفتمانیت می‌شوند و به عنوان رقیب مفصل بندی حاضر امکان دارد زمانی به مفصل بندی غالب تبدیل شوند. بنظر لاکلاو موفه در تضاد و مجادله بین گفتمانها، همیشه دالهایی وجود دارد که بر سر معنای آنها مجادله وجود دارد که در نزد آنها این دالها دالهای شناور نامیده می‌شوند.

۵. روش شناسی

در این بخش، اصول روش‌شناسی این مقاله از جمله:نوع روش، تعریف عملیاتی مفاهیم، شیوه‌ی گردآوری داده‌ها، شیوه‌ی نمونه‌گیری، شیوه‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها و معیارهای ارزیابی کیفیت یافته‌ها و تحقیق، معرفی خواهند شد.

نوع روش: نوع روش این مقاله "تحلیل گفتمان" به عنوان روشی کیفی است.

شیوه گردآوری داده‌ها: تحلیل‌گفتمان طیف گسترده‌ای از داده‌های زبانی و غیر زبانی- گفتارها، گزارشها و نهادها، همچنین متون و نوشته‌ها را تحلیل می کند. تحلیل گفتمان به جای داده‌های دست دوم بر داده‌های اولیه و دست اول تأکید دارد(می‌یر ۲۰۰۱: ۲۴). در این مقاله روش گردآوری اطلاعات روش اسنادی و کتابخانه‌ای است جهت گردآوری داده‌هاو اطلاعات لازم از اسناد و داده‌های اولیه مربوط به گفتمان سلطنت مشروطه استفاده خواهد شد.

جامعه آماری و شیوه نمونه‌گیری: در تحقیقات‌کیفی از جمله تحلیل‌گفتمان، منطق نمونه‌گیری

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]

اساساً متفاوت از منطق نمونه‌گیری آماری است. منطق نمونه‌گیری در مطالعه کیفی مستلزم نمونه‌گیری از موارد برجسته و افراد شاخص یا مستلزم نمونه‌گیری نظری یا مبتنی بر هدف است؛ به معنی این که هدف نمونه‌گیری در این‌جا انتخاب نمونه‌هایی است که با نظریه همخوانی داشته باشند و نظریه را بسط دهند یا مقوله‌های نظری را پرکنند و برای انواع متقابل نمونه‌هایی ارایه شود. در این مقاله، پس از تحقیق و بررسی و مشورت با متخصصین و محققین در حوزه گفتمان‌های مربوطه در ایران در دوره‌ی مورد نظر، افراد، متون و نمونه‌های برجسته‌ای که توان بازنمایی این گفتمان را دارند به‌عنوان نمونه انتخاب و مورد تجزیه و تحلیل واقع می‌شوند.

با توجه به مصدقی بودن نهضت‌آزادی و پایبندی این نهضت به اصول جبهه‌ی ملی و قانون اساسی مشروطه، جهت شناخت عناصر و اجزای گفتمان سلطنت مشروطه با گرایشات مذهبی، باید گفتارها و نوشتارهای دکتر محمدمصدق، مهندس مهدی بازرگان قانون اساسی مشروطه و مرامنامه‌ی نهضت آزادی را به عنوان متون اصلی این گفتمان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

متون دکتر محمد مصدق: متون(نوشتاری و گفتاری) دکتر محمد مصدق یکی از مهمترین منابع شناخت گفتمان سلطنت مشروطه‌است. متنی که از مصدق برای شناخت گفتمان سلطنت مشروطه در این مقاله با توجه به موضوع مقاله گزینش و مطالب مرتبط آن‌ها با این مقاله مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، عبارتست از :

کتاب "خاطرات و تألمات دکتر محمد مصدق" این کتاب نوشته‌هایی است از دکتر محمد مصدق و مرکب از دو کتاب است که در روزهای زندان در لشکر دوم زرهی و سکونت اجباری در احمدآباد نوشته شد.

کتاب نخست که بدان"شرح مختصری از زندگی و خاطراتم" نام داده و در بیست و چهار فصل نگارش‌یافته، سرگذشت دوران جوانی و روزگار تحصیل او و سپس تصدی چند مقام دولتی را دربردارد و در آن کوشیده‌است حوادث مهم زندگی دوران خویش را تا پایان تصدی وزارت‌امورخارجه در سال ۱۳۰۲ شمسی بنویسد.

کتاب دوم: نام آن " مختصری از ملی شدن صنعت نفت در ابران" است.

بخش اول مشروحه‌ای است با عنوان"تصدی مقام نخست‌وزیری" در ۳۴ صفحه؛

بخش دوم لایحه‌ی دیوان عالی کشور است در ۹۰ صفحه متن و ۵۵ صفحه مدارک ضمیمه[۱] .

۱. مصدق پس از محکومیت در دادگاه تجدید نظر فرجام خواست و لایحه‌ای تنظیم‌کرد و به دیوان عالی کشور داد و منتظر بود که او را به آنجا بخوانند تا بتواند هم از خود دفاع کند و هم مطالبی را که امکان اعلامش در جراید از او سلب شده بود از راه اظهار در آن مراجع انتشار دهد و به اطلاع عموم برساند و چون دیوان‌عالی کشور مصدق را نخواست تا اظهارات دفاعی خود را بیان کند ناچار مطالبی را که مد نظرش بود در این لایحه گنجاند و آن را لایحه‌ی الحاقی خواند. بنابراین لوایحی که مصدق به دیوان عالی کشور

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]

بخش سوم: عرض جواب به فرمایشات اعلیحضرت همایون شاهنشاه نام دارد و ۸۳ صفحه می‌باشد و آن عبارت است از پاسخ به آن قسمت از مطالب کتاب "مأموریت برای وطنم " که در آن‌ها ذکر مصدق رفته‌است(در این مقاله عمدتاً تأکید بر این بخش است).

متون مهندس مهدی بازرگان: از مهندس مهدی بازرگان بیش از ۳۰۰ کتاب، مقاله، مصاحبه و تحقیق بر جای مانده‌است. تمام آثار و گفتارهای مهندس مهدی بازرگان توسط بنیاد مهندس مهدی بازرگان در ۱۳ جلد گردآوری و منتشر شده‌اند. با بررسی این سیزده جلد، نخست، جلدهایی که مرتبط با موضوع مقاله از لحاظ زمانی و موضوع بودند انتخاب و سپس از هر جلد نیز، مطالب مرتبط با مقاله مطالعه و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و عناصر و پاسخ‌های لازم به سؤالات مطروحه از آن‌ها استخراج گردید. مجلدهایی که در این مقاله برای شناخت گفتمان سلطنت مشروطه از آن‌ها استفاده شده‌است عبارتند از: مجموعه آثار شماره ۱ تحت عنوان مباحث بنیادین، راه طی شده، عشق و پرستش، ذره‌ی بی‌انتها، مجموعه آثار ۲تحت عنوان بعثت، مجموعه آثار ۸ تحت عنوان مباحث، علمی، اجتماعی، اسلامی و مجموعه آثار ۱۱، تحت عنوان" مباحث اعتقادی و اجتماعی".

شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها: روش‌های تجزیه و تحلیل در تحلیل گفتمان در همه‌ی صورت‌هایش مبتنی بر نظریه‌است و نظریه‌های مختلف تحلیل گفتمان روش‌های مختلف را برای تجزیه و تحلیل پیشنهاد می‌کنند. روش‌های تجزیه و تحلیل این مقاله عمدتاً مبتنی بر نظریه معنای لاکلاو و موفه‌است.

بر این اساس گفتمان‌های موجود بر اساس اسناد و مدارک موجود و سایر تحلیل‌های صورت‌گرفته در نظم گفتمان شناسایی می‌شوند. برای شناسایی گفتمان‌ها باید به تعریف گفتمان و خصوصیات آن توجه نمود. بطور خلاصه، بر اساس نظریه معنای لاکلاو و موفه و فرکلاف برای توصیف نظم گفتمان و گفتمان‌ها، محقق باید به سؤالات زیر پاسخ دهد(فرکلاف۱۳۷۹، ۱۹۲۹، ۱۹۹۵و ۲۰۰۱، لاک لاو و موفه ۱۹۸۵):

- گفتمان‌ها به چه جنبه‌هایی از جهان معنا می‌دهند؟ چه معنایی به این جنبه می‌دهد؟
- نقطه یا نقاط کانونی، دال برتر، دال تهی، دقایق و اسطوره هر گفتمان کدامند؟
- براساس منطق تمایز در هر گفتمان چه خرده‌گفتمان‌هایی یافت می‌شود؟

عرضه کرد دوتاست یکی لایحه‌ی الحاقی و دیگری لایحه‌ی فرجامی. لایحه‌ی اصلی یا فرجامی، آن لایحه‌ای است که خود رونوشت فصل سوم آن را در اختیار وکلای خویش گذارد. لایحه‌ی فرجامی مصدق در سه فصل تنظیم شده‌است:
فصل اول: عزل نخست وزیر از وظایف مجلس شورای ملی و مجلس سناست.
فصل دوم: دادگاه نظامی برای محاکمه‌ی نخست وزیر صالح نیست و فصل سوم دفاع از دولت دکتر مصدق است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]

– اسطوره‌ی هر گفتمان چیست؟ هر گفتمان چه چیزی را نفی می‌کند و چه وضع مطلوب و آرمانی‌ای را پیشنهاد می کند؟

– هر گفتمان چه سوژه‌هایی را معرفی و خلق می‌کند؟

– با توجه به منطق هم ارزی و تمایز هر سوژه دارای چه هویتی است و چگونه تعریف می‌شود؟

معیارهای ارزیابی کیفیت: در این مقاله جهت بالا بردن میزان اعتبار و روایی یافته‌های تحقیق سعی شده‌است نمونه‌های مناسبی انتخاب شوند، از روش تلفیق آن‌گونه که وداک(۲۰۰۱) می‌گوید استفاده شود، نمونه‌ها بر اساس نظریه و نظر متخصصین انتخاب شوند، در روش شناسی و تحقیق انسجام وجود داشته باشد، مراحل مختلف تحقیق به خوبی روشن شوند، از منابع مختلف استفاده گردد و حتی الامکان تحقیق جامع و شفاف باشد و نویسنده سعی خواهد نمود تا حد ممکن در تحقیق و متون درگیر شود و آن‌ها را با توجه به تکنیک‌های مختلف معناکاوانه فهم و تحلیل کند و همه‌ی جنبه‌های مرتبط با سؤال را مد نظر قرار دهد (جاگر۲۰۰۱: ۵۲– ۵۱؛ ۶؛ می یر۲۰۰۱: ۲۹؛ یورگنسن و فیلیپس ۲۰۰۲: ۱۷۳– ۱۷۱؛ ادیب حاج باقری و همکاران۱۳۸۵).

٦. تجزیه و تحلیل داده‌ها(یافته‌ها)

در این بخش مقاله نخست به معرفی مختصر گفتمان سلطنت مشروطه پرداخته می شود و سپس بر اساس نظریه گفتمان لاکلاو و موفه و چارچوب مفهومی مقاله ابعاد و عناصر این گفتمان شناسایی و تجزیه و تحلیل می شوند.

۱. ۶. معرفی مختصر گفتمان سلطنت مشروطه: یکی از گفتمان‌های موجود در نظم گفتمان که پیوند وثیق با مدرنیته داشت گفتمان سلطنتی مشروطه‌است. این گفتمان با مسئله‌ی‌نفت و ملی‌شدن آن و تشکیل جبهه‌ی ملی از حاشیه پا به متن می‌گذارد. حامل اصلی این گفتمان در واقع جبهه‌ی ملی و به‌طور خاص رهبری جبهه یعنی دکتر محمد مصدق است. جبهه‌ی ملی در جریان ملی شدن صنعت در ۲۸ مهرماه ۱۳۲۸ پا به عرصه‌ی وجود می‌گذارد. هسته‌ی اصلی جبهه را آیت الله حاج سید رضا زنجانی، عباس رادنیا، ناصر صدرالحفاظی، رحیم‌عطایی و دکتر یدالله سحابی، دکتر شاپور بختیار، مهندس مهدی بازرگان، حسن شاه‌حسینی و فتح‌الله‌بنی‌صدر تشکیل می‌دادند(نجانی۱۳۷۱: ۹۹). پس از کودتا ۲۸ مرداد اکثر رهبران این جبهه دستگیر می‌شوند. بیشتر رهبران جبهه‌ی ملی که در شهریور ۱۳۳۲ دستگیر شده بودند در سال ۱۳۳۳ آزاد شدند. هر چند بیشتر آنان از ایران رفتند یا از سیاست

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]

کنار کشیدند، برخی هم روابط پنهانی خود را با مصدق، که تا هنگام مرگش در ۱۴ اسفند ۱۳۴۵ در خانه‌ای زیر نظر بود، حفظ کردند و در اواخر سال ۱۳۳۳ با عنوان جدید نهضت مقاومت ملی، دوباره به حوزه‌ی فعالیت سیاسی بازگشتند. اعضای برجسته و سرشناس جبهه عبارت بودند از سنجابی، سخنگوی اصلی حزب ایران و رئیس پیشین دانشکده‌ی حقوق که در آخرین کابینه‌ی مصدق وزیر آموزش و پرورش بود؛ حسینی، زیرک‌زاده، زنگنه و اصغر پارسا ـ چهار رهبر قدیمی دیگر حزب ایران که در دولت مصدق پست‌های مهمی داشتند؛ شاهپور بختیار، عضوجوان حزب ایران و فارغ‌التحصیل علوم سیاسی از پاریس که پدرش (یك خان بختیاری) به دستور رضاشاه کشته شده بود؛ فروهر، حقوقدان و مؤسس حزب ملت ایران و طرفدار مصدق که پس از کودتای ۲۸ مرداد شش ماه زندانی شده بود؛ خلیل ملکی، روشنفکر مارکسیستی که پس از کودتا نام سازمان خود (نیروی سوم) را به جامعه‌ی سوسیالیست‌های ایران تغییر داد. نهضت مقاومت ملی، هر چند با اهداف بزرگی آغاز به کار کرد، بنا به دلایلی طی چهار سال بعدی کاملاً دچار ضعف و نابسامانی شد. رژیم، در سال ۱۳۳۴، به این بهانه که این جبهه "سلطنت مشروطه" را تضعیف‌می‌کند، تقریباً همه‌ی سران آن را بازداشت کرد. همچنین، شکاف‌هایی در رهبری نهضت به وجود آمد که باعث تضعیف آن شد. بدین ترتیب، درگیری‌های داخلی و سرکوبی پلیس دست به دست هم دادند تا نهضت مقاومت ملی متلاشی شود. اما با کاهش اندك نظارت‌ها و سخت‌گیری‌ها، در سال‌های ۴۲-۱۳۳۹، این نهضت دوباره نیمه جانی گرفت. سنجابی، فروهر و خلیل ملکی با بهره‌گیری از این موقعیت جدید به ترتیب حزب ایران، حزب ملت ایران و جامعه‌ی سوسیالیست‌ها را دوباره سازمان دادند و سپس جبهه‌ی ملی را با عنوان جبهه‌ی ملی دوم احیاکردند. این احزاب در این زمان دارای گسترش و رونق زیادی نبودند. به دلیل عدم رونق این احزاب، بازرگان و چند تن از اصلاح‌طلبان همفکر، نهضت آزادی ایران را تشکیل‌دادند و به جبهه‌ی ملی جدید پیوستند. نهضت آزادی، در پیوستن به این جبهه اعلام کرد که هدف اصلی نهضت تقویت جبهه‌ی ملی و «پاسخ به نیازهای دینی و اجتماعی و ملی مردم» است.[1] این نهضت، همچنین، اعلام کرد که «ما مسلمان، ایرانی، مشروطه‌خواه و مصدقی هستیم: مسلمانیم زیرا نمی‌خواهیم اصول عقایدمان را از سیاست خود جدا کنیم؛ ایرانی هستیم زیرا به میراث ملی خود احترام می‌گذاریم؛ مشروطه‌خواه هستیم زیرا آزادی اندیشه، بیان و اجتماعات را خواستاریم؛ مصدقی هستیم زیرا استقلال ملی می‌خواهیم.»[2] جبهه‌ی ملی، به مدت سه سال دوباره فعال بود. روزنامه‌ی باختر امروز را

۱. «نهضت آزادی و جبهه ملی»، نهضت آزادی ایران، ۲۱ خرداد ۱۳٤۰.

۲. «اهداف نهضت آزادی»، مجاهد، ۵ (فروردین ۱۳۵٦)، ۱-٤؛ «پانزدهمین سالگرد نهضت آزادی»، مجاهد، ٤ (فروردین ۱۳۵۵)، ۱-۵؛ م. میرزایی، «شکل‌گیری نهضت آزادی»، اطلاعات، اردیبهشت ۱۳۵۸.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]

بار دیگر منتشر کرد؛ به سازماندهی اعتصاباتی در دانشگاه‌ها و دبیرستان‌های مهم پرداخت؛ یك کنگره‌ی سراسری برگزار و کمیته‌ی مرکزی پرشماری انتخاب کرد؛ گروهی از اعضای برجسته‌ی اصناف، بازار و دانشگاه‌ها را جذب نمود؛ و راهپیمایی‌هایی برگزارکرد. با همه‌ی این‌ها، طولی نکشید که جبهه‌ی ملی، بار دیگر به همان دلایل پیشین، فرو پاشید. شاه، پس از قیام خونین خرداد ۴۲، روشی سخت در پیش گرفت و بیشتر رهبران مخالف را دستگیر و احزاب و گروه‌های وابسته به جبهه‌ی ملی را غیرقانونی اعلام کرد. این بار جناح‌بندی‌های داخلی جبهه نیز بسیار شدیدتر از پیش بود. زیرا این جناح‌بندی‌ها نه تنها مسائل ایدئولوژیك بلکه مشکلات تاکتیکی و سازمانی را هم دربرمی‌گرفت. برخی‌ها، به ویژه در نهضت‌آزادی و جامعه‌ی سوسیالیست‌ها، می‌خواستند جنگ‌ایدئولوژیکی علیه رژیم به راه اندازند و مسائل تئوریك جبهه‌ی ملی را موردبحث قرار دهند. گروهی دیگر، به ویژه در حزب ایران، ترجیح می‌دادند مشاجرات ایدئولوژیکی را کنار گذارند و با تأکید بر مسائل غیرنظری همچون اعتراض به ادامه‌ی بازداشت خانگی مصدق، نبود آزادی مطبوعات و طرح فروش کارخانه‌های دولتی به بازرگانان ثروتمند، به رژیم حمله کنند.[1] از یك سو، نهضت‌آزادی به ائتلاف کامل با علمای ضدرژیم حتی روحانیونی که آشکارا مخالف اصلاحات ارضی و حق رأی زنان بودند، تمایل داشت. از سوی دیگر، سایر سازمان‌ها با چنین ائتلافی مخالف بودند و شعار «اصلاحات آری، دیکتاتوری نه» سرمی‌دادند.[2] سرانجام، رهبران حزب ایران که می‌خواستند عناصر تندرو را در درون نهضت مهار کنند، کوشیدند تا جبهه‌ی ملی را از ائتلاف سست سازمان‌های مستقل به حزبی کاملاً منسجم دارای یك مرکز، یك ارگان رسمی و یك استراتژی سیاسی تبدیل‌کنند. شگفتی‌آور نبود که نهضت آزادی، حزب ملت ایران و جامعه‌ی‌سوسیالیست‌ها در برابر چنین تلاش‌هایی بایستند و پافشاری کنند که جبهه‌ی ملی باید همچنان به شکل ائتلاف گسترده‌ای از سازمان‌های مستقل باقی‌بماند.[3] به دنبال این اختلافات، به ویژه بر سر مسائل سازمانی، جبهه ملی در سال ۱۳۴۴، به دو جناح رقیب تقسیم شد. جناح نخست، که بیشتر از اعضای حزب‌ایران تشکیل می‌شد، عنوان جبهه‌ی ملی دوم را حفظ کرد، فعالیت‌های خود را در کنفدراسیون دانشجویان ایرانی مقیم اروپا تشدید کرد و به انتشار روزنامه باختر امروز و درخواست برقراری حکومت مشروطه غیرمذهبی در ایران ادامه داد. جناح دوم که از نهضت آزادی، حزب ملت ایران و جامعه‌ی سوسیالیست‌ها تشکیل می‌شد، خود را جبهه‌ی ملی سوم نامید. جبهه‌ی ملی سوم که در میان دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه و آمریکای

۱. جبهه ملی، قطعنامه (تهران، ۱۳۴۲)، صص ۱-۲.
۲. جبهه ملی، اعلام خطر (تهران، ۱۳۴۲)، صص ۱-۲.
۳. م.انوشه، «حزب توده و جبهه ملی»، ماهنامه مردم، ٦ (شهریور ١٣٤٤)، ۱-۵.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]

شمالی فعال بود، دو روزنامه‌ی ایران آزاد و خبرنامه را منتشر می‌کرد و می‌کوشید با رهبران مذهبی در تبعید، به ویژه آیت‌الله‌خمینی در عراق رابطه‌ی مؤثری برقرار کند. خبرنامه در مقاله‌ای با عنوان «درس‌هایی از ۱۳۴۲ـ می‌نویسد که در محرم ۴۲ نه احزاب‌سیاسی بلکه رهبران مذهبی بودند که به توده‌ها روحیه و جسارت دادند و بنابراین باید از قیام ۴۲ درس بگیریم که علما می‌توانند در مبارزه‌ی ضدامپریالیستی نقش سرنوشت‌سازی بازی‌کنند، همچنان که در جنبش تنباکو، انقلاب مشروطه و جنبش ملی شدن نفت بازی کردند[1] (آبرهامیان۱۳۷۸). لازم به ذکر است که بعد از ۱۳۴۴ این جناح دوم و به طور خاص نهضت آزادی ایران است که می‌تواند گفتمان مشروطه اما با گرایشات مذهبی را نمایندگی کند و این گفتمان را به یک گفتمان عمده تبدیل نماید و جناح دیگر جبهه‌ی ملی و حتی حزب ملت و جامعه‌ی سوسیالیست‌ها و به عبارت کلی‌تر گفتمان مشروطه‌ی غیر مذهبی به دلیل تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که در جامعه به وجود می‌آید دیگر از رونق چندانی برخوردار نیستند و به حاشیه‌ی متن رانده می‌شود.

همان‌طور که بیان شد به دلیل ناکامی‌های پیاپی گفتمان سلطنت مشروطه غیر مذهبی، گفتمان سلطنت مشروطه مذهبی با نمایندگی نهضت آزادی ایران پا به عرصه‌ی وجود می گذارد. نهضت آزادی ایران که رهبران آن عموماً بنیان‌گذاران یا فعالان نهضت‌مقاومت ملی بودند در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۰ تأسیس شد. آیت‌الله سید محمود طالقانی، مهندس مهدی بازرگان و یدالله‌سحابی بنیان‌گذاران نهضت‌آزادی بودند(نجاتی۱۳۷۱). در میان بنیان‌گذاران این نهضت می‌توان بازرگان را به دلیل تنوع محصولات نگارشی‌اش در موضوعات مختلف، به عنوان شاخص فکری نهضت مطرح‌کرد. گفتنی است که آثار مهدی‌بازرگان در یك دوره به عنوان آثار دین‌شناسانه عالی رواج یافت و حتی از روحانیون که شاهد این قبیل تطبیق‌ها میان علم و دین بودند، به آن علاقمند شده و از آن‌ها استفاده می کردند. بازرگان و سایر رهبران این نهضت بیشتر به تلفیق بین تشیع و ملیت ایرانی و مدرنیته توجه‌داشتند و آن را مبنای کار خویش قرار داده‌بود. نهضت آزادی به نوعی وارث جنبش‌مشروطه بوده و نهضت‌سیاسی مشروطه‌خواهی را جدی تلقی می‌کرد و به همین دلیل، شعار اصلی آن، این بود که شاه سلطنت کند نه حکومت. در مرامنامه‌ی نهضت، نخستین نکته احیای حقوق اساسی ملت ایران با استقرار قانون بود و در مجموعه‌ی بندهای دیگر، تنها اشاره‌ای به ترویج اصول اخلاقی، اجتماعی و سیاسی بر اساس مبادی دین مبین اسلام آن هم "با توجه به مقتضیات سیاسی و فرهنگی عصر"شده‌بود(اسناد نهضت آزادی ج ۱ ص۴۴). در نزدیکی‌های پیروزی انقلاب فعالیت نهضت بیشتر شده و بازرگان جمعیتی با عنوان جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر ایجاد کرد.

۱. «درس‌هایی از ۱۳۴۲»، خبرنامه، ۷ (تیر ۱۳۴۸)، ۱-۲.

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]

۲. ۶. توصیف ابعاد و عناصر گفتمان سلطنت مشروطه: بر اساس نظریه‌ی لاکلاو و موفه و چارچوب مفهومی مقاله و سوالهای مطروحه، ابعاد و عناصر گفتمان سلطنت مشروطه به شرح زیر می باشد:

● این گفتمان به چه ابعادی از جهان معنا می‌دهد؟ این گفتمان همانند گفتمان بنیادگرایی‌شیعی سعی دارد، هم به دنیا و هم به مرگ و آخرت معنا ببخشد اما بیشتر تأکیدش بر حیات دنیوی است. از لحاظ دنیوی این گفتمان معنای خاصی را به هر چهار بعد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اعطا می‌نماید. این گفتمان سعی دارد با ترکیب اصول لیبرالیسم، اسلام، ملیت ایران این معنای خاص را به ابعاد مختلف جهان ببخشد. برای این گفتمان اصول لیبرالیسم در حکم هسته و برحسب متقضیات و شرایط جامعه ایران اصول اسلامی حکم پوسته و ابزار را دارد. جنبه‌ی بیناگفتمانی این گفتمان در سطور آغازین مرامنامه‌ی نهضت آزادی ایران به خوبی آشکار است. مرامنامه‌ی نهضت آزادی ایران با این عبارات آغاز می‌شود:

«به حکم مبادی عالیه‌ی دین مبین اسلام و قوانین اساسی ایران و اعلامیه‌ی حقوق بشر و منشور ملل متحد، نهضت آزادی ایران برای تعقیب هدف‌های مشروحه‌ی زیر فعالیت خود را آغاز می‌نماید:.....»(مرامنامه‌ی نهضت آزادی ایران).

همچنین باز در تأیید بیناگفتمانی بودن این گفتمان و معنابخشی این گفتمان بر اساس این گفتمان بینامتنی به ابعاد جهان، نهضت آزادی در مرامنامه‌ی تجدیدنظرشده خود در دی ماه ۱۳۵۷ می‌نویسد:

«نهضت آزادی مرامنامه‌ی تجدید نظر شده‌ی خود را که همواره ناشی و متکی به پایه‌های سه‌گانه‌ی زیر است اعلام می‌دارد:

۱- اصول عالیه‌ی اسلام با فرایض و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی ناشی از آن.

۲- قانون اساسی ایران و متمم آن به بهای خون شهدای آزادی و استقلال ایران به دست آمده‌است. با توجه به اصلاح آن که در جهت تحقق حاکمیت اساسی ملت ایران ضرورت دارد.

۳- اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر.»(اسناد نهضت آزادی جلد ۱۱: ۵۷).

همچنین این نهضت، در پیوستنش به جبهه ملی ، اعلام کرد که:

«ما مسلمان، ایرانی، مشروطه‌خواه و مصدقی هستیم: مسلمانیم زیرا نمی‌خواهیم اصول عقایدمان را از سیاست خود جدا کنیم؛ ایرانی هستیم زیرا به میراث ملی خود احترام می‌گذاریم؛ مشروطه‌خواه هستیم زیرا آزادی اندیشه، بیان و اجتماعات را خواستاریم؛ مصدقی هستیم زیرا استقلال ملی می‌خواهیم.»[1].

۱. «اهداف نهضت آزادی»، مجاهد، ۵ (فروردین ۱۳۵۶)، ۱-٤؛ «پانزدهمین سالگرد نهضت آزادی»، مجاهد، ٤ (فروردین ۱۳۵۵)، ۱-۵؛ م. میرزایی، «شکل‌گیری نهضت آزادی»، اطلاعات، اردیبهشت ۱۳۵۸.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]

این گفتمان علی‌رغم تمجید از غرب، تقلید ناشیانه از آن را نفی‌می‌کند وخواهان ترکیب تمدن غرب با اسلام و سنن گذشته ایران است. بازرگان در این خصوص بیان می دارد:

«اشتباه و گناه ما و بلکه گناه نابخشودنی ما ایرانی‌ها در این است که به تقلید ناشیانه و پیروی عامیانه از گفتار عده‌ی معدودی از متفکرین کهنه‌ی قرن گذشته دچار شده و از روی قضاوت سطحی بعضی درس خوانده‌های خودمان، منشأ و مقصد تمام جنبش‌ها و تحولات زندگی را در امور مادی و در جهت بهبود زندگی دنیایی و به مفهوم حیوانی و خورد و خوراک و لذایذ پست شهوانی توجیه می‌کنیم و به قیاس نفس کثیف و طبع و تنبل و خوش گذران خودمان، تاریخ گذشته و معاصر و آینده‌ی مغرب زمین را هم از دریچه‌ی راحت طلبی و عیش و نوش پست حیوانی که خصوصیت مال داران اعیان و شاعران بی‌مسلک ما بوده‌است، متأسفانه بیشتر کسانی هم که نظر یا قدم به آن‌جاها انداخته و گذاشته‌اند و اوصاف به ارمغان آورده اند به آن جنبه‌هایی نگاه کرده و به جاهایی وارد شده‌اند که مطلوب و مطابق نظر خودشان بوده‌است» (بازرگان۱۳۷۷: ۳۰- ۲۷).

بازرگان در خصوص اهمیت سنت و گذشته، پس از توضیحاتی درباره سنت و گذشته در نزد ایرانیان و اسلام می‌نویسد:

«توجه و توسل به گذشته خداپسند و دنیاپسند هر دو است. اگر صرفاً مصروف به گذشته و مرده نبوده، حالیت و فایده و بهره‌برداری برای آینده داشته باشد. اکتفا به تشریفات و لقلقه‌ی زبان و یک تجلیل خشک و خالی (که معذالک مفید و ممدوح است) نشده، آن روح و آن اثر در حالتی که یک مرتبه واقعه‌ی نجات‌بخشی را در زمانی به وجود آورده باشد، در نظر داشته، احیا کنیم و مانند دستورالعمل یا سرمایه‌ای از آن بهره‌برداری نماییم. اگر این مطلب را درک کنیم که بعثت و مأموریت رسول اکرم، پدیده‌ی تنها متعلق به تاریخ گذشته نیست و ما مرده و مرده‌پرست نیستیم، بلکه آثار و نتایج آن همیشه جاری و قرن به قرن ضروری‌تر، مفهوم‌تر و زنده‌تر می‌شود، نصیب و بهره‌ی زیادی برده‌ایم.»(همان: ۴۸).

بعد اجتماعی: بعد اجتماعی از نظر این گفتمان بر اساس سه نظام دانایی غرب(لیبرالیسم)، سنت گذشته‌ی ایران و اسلام معنا می‌یابد. بازرگان خواهان جامعه‌ای است که مبتنی بر اصول غربی، ایرانی و اسلام باشد.در عین تأکید بر اهمیت جماعت و اجتماع و رعایت اصول اسلام، این گفتمان در جستجوی جامعه‌ای آزاد و لیبرال است که در آن بر اساس قانون، آزادی‌های افراد مورداحترام واقع شوند. به عنوان نمونه در مرامنامه‌ی نهضت آزادی ایران ذیل عنوان اصل اول و سوم به عنوان سیاست داخلی آمده‌است:

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]

« اصل اول: ۱- احیای حقوق اساسی ملت ایران با استقرار حکومت قانون به منظور تعیین حدود اختیارات و مسئولیت‌های قوای مختلف مملکت و برای تأمین حکومت مردم بر مردم.

اصل دوم: ۱- ترویج اصوص اخلاقی و اجتماعی و سیاسی براساس مبادی دین مبین اسلام، با توجه به مقتضیات سیاسی و فرهنگی عصر حاضر.

۲- تشویق اصل درستی و تقوی و مبارزه‌ی شدید علیه منهیات و اعتیادات و انتشارات مضره.

۳- از بین بردن عوامل نادرستی و فساد، خصوصاً مظاهر اتکای به خارجی و طرد جمیع عناصری که سد راه فعالیت‌های مؤثر و اصیل و سریع اصلاحی هستند یا موجبات تضعیف شخصیت فردی و اجتماعی ایرانی را فراهم می‌سازد.

۴- مبارزه علیه دشمنان سلامت جسمی و فکری و روحی مردم، یعنی غلبه بر ترس، یأس، جهل، عقب ماندگی و نفاق.

اصل سوم: آماده کردن تدریجی و اصولی مردم برای شرکت در اداره‌ی عمومی. همچنین برای حسن استفاده از دموکراسی و استیفای حقوق ملی.»(مرامنامه‌ی نهضت آزادی ایران).

بعد اقتصادی: از لحاظ اقتصادی این گفتمان باور به اقتصاد لیبرالی و همچنین دخالت دولت برای برقراری عدالت اقتصادی دارد. به‌عنوان نمونه در مرامنامه‌ی نهضت آزادی ایران ذیل عنوان اصل چهارم اصول سیاست داخلی آمده‌است:

« ۱- تأمین استقلال اقتصادی، ایجاد رژیم صحیح مالی، بازرگانی، اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی، کشاورزی و صنعتی.

۲- برقراری مناسبات متکی بر عدل و مسالمت بین کارگر و کارفرما و بین کشاورز و مالک.

۳- توسعه‌ی بیمه‌های اجتماعی، تهیه و اجرای طرح بیمه‌ی کشاورزان.

۴- تخصیص عایدات نفت، اعتبارات و وام‌های خارجی به اجرای برنامه‌های کشاورزی و صنعتی و عمرانی. عایدات و اعتبارات و وام‌های مذکور از بودجه‌ی کل کشور.

۵- ایجاد امنیت مالی و اقتصادی به منظور تشویق اعاده‌ی سرمایه‌های خصوصی موجود در بانکهای خارجی به داخل کشور.»(همان).

بازرگان همچنین سعی دارد در معنابخشی به اقتصاد، از نظر اسلام درباره اقتصاد نیز سود جوید. او در خصوص نظر اسلام در مورد اقتصاد می‌نویسد:

«اسلام نسبت به مال و مادیات اعتقاد جزمی علی‌الاطلاق نداشته، از دریچه‌ی نسبی مثبت و منفی به

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]

آن نگاه می‌کند »(بازرگان۱۳۷۷: ۳۶۰).

او سپس با استناد به اسلام، به مبارزه‌ی با فقر، تلاش برای امرار معاش، دوری از گدایی، توزیع عادلانه، دوری از مال‌اندوزی و مال دوستی، اشاره می‌کند و سپس می‌نویسد:

«مال هدف نیست، آرایش زندگی و آزمایش انسان است وقتی ارزش پیدا می‌کند که توأم با ایمان و فعالیت بوده، به صورت تأسیسات ماندگار و مفید در آید و وسیله‌ی ترقی شخص و تقرب به خدا شود.»(همان۳۶۳).

او پس از بیان نقش مهم اقتصاد و غیر قابل انکار آن در زندگی انسان در خصوص جایگاه اقتصاد در اسلام بیان می‌کند:

« در ایدئولوژی اسلامی ملازمه‌ی کامل مابین اقتصاد(و هر مسئله ای دیگر) مربوط به فرد و اجتماع) با ایمان و اخلاق وجود دارد. بدون ایمان قلبی که ضامن اجرایی ایدئولوژی است و بدون تربیت اخلاقی که قسمت عمده‌ی روابط اجتماعی را تشکیل می‌دهد و تنظیم می‌کند و به اعمال انسان روح و اثر می‌دهد، هیچ یک از احکام و موازین نمی‌تواند مفهوم و خاصیتی را که منظور است بدهند. اقتصاد در منطق اسلام، چه آن‌جا که مربوط به کسب و تولید می‌شود، چه آن‌جا که پای جمع‌آوری و خرج و توزیع در میان می‌آید و چه آن جا که به مصرف شخصی یا پرداخت‌های مقرراتی می‌رسد، حکم عبادت را داشته، ادای فرضیه و رسیدن به ثواب محسوب میشود..... چنان که به‌طور کلی از طریق استنتاج عقلی و استدلال منطقی خواسته باشیم اصل اقتصادی ایدئولوژی الهی یا اسلامی را استخراج کنیم، باید بگوییم نتیجه‌ی اعتقاد به خدای مالک دنیا و آخرت این است که برای انسان فانی شونده هیچ گونه دلبستگی و مالکیت متعلق در اموال دنیا و عملی برای صاحب اختیاری در تملک وجود ندارد. انسان مالک موقت و امانتدار محسوب می‌شود. مال را باید در جهتی که اراده‌ی رضای صاحب اصلی و دهنده‌ی مال است، به مصرف برساند و یگانه مصرف صحیح و مفید، آن است که وسیله‌ی نزدیکی یا همانندی به او شود.»(همان۳۵۹).

بعد سیاسی: از لحاظ سیاسی این گفتمان باور به ارتباط دین و سیاست و اعتقاد به حکومت سلطنتی مشروطه مبتنی بر قانون اساسی و حافظ شریعت اسلام دارد. به عنوان نمونه در آغاز مرامنامه‌ی نهضت و در سایر گفتارهای این گفتمان به کرات بر قانون اساسی که معتقد به سلطنت مشروطه‌است تأکید می‌شود.

بازرگان سلطنت مشروطه را حکومت مورد پذیرش اسلام می‌داند و معتقد به رابطه‌ی بین دین سیاست است. او در دفاع از رابطه‌ی دین(اسلام) و سیاست می‌نویسد:

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]

«در اسلام از قدم اول ایمان و عمل توأم بود و دین و سیاست(به معنای اداره‌ی امت) پا به پای هم پیش می‌رفت. قرآن و سنت سرشار از آیات و اعمال مربوط به امور اجتماع و حکومت هستند و علی‌الخصوص شیعه که اگر یک طرف اوراق تاریخ آن را معتقدات مربوط به امامت و عدالت و پاره‌ای فروع جزیی تشکیل می‌دهد. طرف دیگر یعنی صفحات مقابل را شهادت امامان و بزرگان و شیعیان، که ناشی از خصومت دستگاه‌های خلافت و سلطنت در برابر مقاومت‌ها و قیام‌های پیوسته‌ی این اقلیت مبارز است، پر می‌کند. سکه‌ی تشیع اگر یک روی آن دینی و فکری است، روی دیگرش سیاسی و اجتماعی بوده و تا ظهور دولت حقه‌ی امام زمان ادامه خواهد داشت. اسلام نه تنها بی‌طرف و بی علاقه نسبت به سیاست و اداره‌ی اجتماعی نبوده‌استف بلکه مسئله‌ی حکومت یا ولایت را از اهم مسایل دینی می‌داند و شرکت مسلمانان را در انتخاب والی و مشارکت او در اجتماع امت و مراقبت از حکومت را در ردیف نماز و روزه و بلکه مقدم بر آن می‌شمارد. چنین آیینی حق این را دارد که لااقل فلسفه‌ی سیاسی‌اش مورد مطالعه قرار گیرد؛ خصوصاً که به نظر ما تعالیم اجتماع اسلام چنان مترقی و جلورفته‌تر از زمان خود و زمان‌های بعد بوده‌است که حتی در صدر اسلام(غیر از دوران خود حضرت رسول صلی‌الله علیه و آله و خلافت علی علیه السلام) درست درک نشده و روز به روز عقل رفته‌است(بازرگان۱۳۷۷: ۲۸۲)[۱].

بعد فرهنگی: از لحاظ فرهنگی این گفتمان معتقد به تلفیقی از فرهنگ اسلامی، ایرانی و فرهنگ غربی تحت عنوان "فرهنگ عصر حاضر" است. به عنوان نمونه در مرامنامه‌ی نهضت آزادی ذیل اصل دوم، یکی از اهداف سیاست داخلی نهضت بدین شرح اعلام شده‌است:

«اصل دوم: ۱- ترویج اصول اخلاقی و اجتماعی و سیاسی براساس مبادی دین مبین اسلام، با توجه به مقتضیات سیاسی و فرهنگی عصر حاضر.»(مرامنامه‌ی نهضت آزادی ایران).

همچنین در اصل هیجدهم متمم قانون اساسی مشروطه که نهضت آزادی خود را مقید به رعایت آن می‌داند، آمده‌است:

«تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع آزاد است مگر آن‌چه شرعاً ممنوع باشد.»(متمم قانون اساسی مشروطه)

- نقطه یا نقاط کانونی این گفتمان چیست؟ نقطه‌ی کانونی در این گفتمان قانون است. واژه قانون در این گفتمان از فراوانی بسیار بالایی برخوردار است و همه چیز باید منطبق با قانون(اساسی) باشد.

۱. بازرگان بیانات زیادی در خصوص رابطه‌ی دین و ساست و این که اسلام دینی سیاسی و اجتماعی است دارد برای مطالعه‌ی بیشتر به مجموعه‌ی آثاری بازرگان مراجعه شود.

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]

همچنین، در این گفتمان همه چیز به صفت قانون متصف می‌شود و قوه‌ی قضاییه، اجراییه و همه کس حتی پادشاه باید مطابق قانون عمل کنند. پادشاه باید مطابق قانون اصول مشروطیت را رعایت کند، آزادی‌های اساسی مردم را به رسمیت بشناسد و استقلال مملکت را تضمین کند.

به عنوان نمونه، مهندس بازرگان همیشه بر پیروی از همه‌ی اجزای قانون اساسی تأکید می‌ورزید و هیچ اصل یا تبصره‌ای را استثنا نمی‌کرد. او در این باره می‌گوید:

«تابع قانون اساسی ایران هستیم ولی منافی "نؤمن ببعض و نکفر ببعض" نبوده، از قانون اساسی به صورت واحد جامع، طرفداری می‌کنیم»(اسناد نهضت آزادی، ج۱: ۱۷).

هچنین هنگام اوج‌گیری انقلاب اسلامی، بازرگان به همراه یدالله سحابی و محمد توسلی در ملاقات با مأمور سیاسی سفارت آمریکا در تاریخ ۱۳۵۶/۳/۹چنین گفته‌است:

«نهضت آزادی به قانون اساسی معتقد است، اگر شاه حاضر باشد تمام موارد قانون اساسی را به اجرا درآورد، ما آماده‌ایم تا سلطنت را بپذیریم.»(اسناد لانه‌ی جاسوسی شماره‌ی ۲۳: ۱۸).

همچنین دکتر محمد مصدق، در خصوص محوریت قانون اساسی و لزوم تبعیت شاه از آن می‌نویسد:

«شخصیت شاه در این نیست که هر کاری خواست بکند مسئول هم نباشد بلکه عظمت پادشاه در این است که به قانون اساسی احترام کند و جز مقررات قانون چیزی در نظر نگیرد. هیچ شنیده نشده‌است در ممالکی مثل انگلستان و یا سوئد پادشاه در این صدد براید که اختیارات خود را زیاد کند و مسئول هم نباشد این قبیل هوی و هوس بیشتر در ممالکی روی می‌دهد که ملت به حق خود عارف نیست و شاهان هم به آن درجه از تمدن نرسیدند که ملت خود را به پایه‌ی ملل درجه‌ی اول برسانند و در مقابل سیاست خارجی منافع ملت را حفظ نمایند.»(مصدق۱۳۷۲: ۲۲۸).

• دال برتر این گفتمان چیست؟ دال برتر اصلی در این گفتمان ایرانی است ولی پس از ایرانی واژه مسلمان هم مبین هویت افراد در این گفتمان است، به عنوان نمونه نهضت آزادی ایران در مرامنامه‌ی نهضت به صراحت خود را ابتدا ایرانی و سپس مسلمان می‌داند. در اهمیت ملیت و میهن، بازرگان پس از توضیح ملیت و میهن در ایدئولوژی‌های مختلف و اسلام، بیان می‌کند:

«پس به طور خلاصه ناسیونالیسم به آن معنی که مرکز و منتهی الیه هدف‌های ما بوده، مرتبط و مرتبت و منافع کشور یا ملتمان را مافوق سایرین بدانیم و پا روی حق و انصاف بگذاریم، در ایدئولوژی اسلامی مردود است. میهن ما اسلام و جهان است و در آن باید کوشش کنیم. اما با این معنی که ایران و ایرانی خوب را دوست بداریم و خود را به میراث یا به شخص مسئول معایب و خرابی‌ها شناخته و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]

تا سرحد جانبازی به خدمت و دفاع از آن در برابر جباران داخلی و تجاوزکنندگان خارجی بپردازیم، چنین رویه‌ای از وظایف دینی حساب می‌شود.

سپس در ذیل میهن دوستی، علاقمندی به زادگاه، محل یا زبان و آداب خصوصی آن به واحدهای کوچکتر تا طایفه و خانواده، نه تنها ایرادی ندارد، بلکه اگر خالی از دشمنی و تعصب‌های خودخواهانه و در تقویت میهن دوستی و خداپرستی باشد، مجاز و مستحسن است. » (بازرگان۱۳۷۷: ۳۸۲).

● دال(دال‌های) تهی این گفتمان چیست؟ دال‌های تهی این گفتمان عبارتند از: استقلال، آزادی، قانون، اسلام اصیل.

استقلال: بازرگان در خصوص تقلید و نبود استقلال در ایران می‌گوید:

«در بازار که قدم می‌گذارید با نمایشگاه و انباری از کالاهای ساخت خارجه یا بدل آن‌ها روبرو می‌شوید. در خیابان که گردش می کنید تزیین مغازه‌ها و حتی اسامی آن‌ها و سبک ساختمان‌ها و لباس‌ها و آرایش ها چیزی جز تقلید ناشیانه و زننده از اروپا و آمریکا نیست. کتاب‌ها را که ورق می‌زنید غالباً به مطالب کهنه و ناقص که ترجمه‌ی ساده یا تألیفی از کتب خارجی است برمی خورید و کمتر کتاب یا فصلی نوشته می‌شود که رنگ و بوی ایرانی داشته باشد مقالات و داستان‌ها و فکاهی‌ها غ ترجمه‌ی تحت‌الفظی یا تکرار حالات و آداب آن‌ها است.۱۲۲ معلمی در مملکت ما چیزی جز نقالی و دلالی برای علما و مخترعین خارجی‌ها نیست، روزنامه‌ها، و مجلات که مبتذل‌تر از همه..... . همان‌طور که گفتیم خصلت استقلال یا ابتکار، و ضد آن تقلید، تفکیک‌پذیر نیست.در ایران نه تنها تقلید و تبعیت از خارجی عمل رایج و عادت افتخارآمیز است در تقلید از داخلی هم اکراه و ایرادی دیده نمی‌شود ملاحظه کنید همین که کسی یک اسم جالب تازه روی مغازه یا سینمای خود می‌گذارد یا طرحی را(که در اصل تقلید یا ابتکار است کار نداریم) به کار می‌برد سه چهار ماهی نمی‌گذرد که آن اسم یا طرح را در صد جای دیگر در تهران و شهرستان‌ها مشاهده می‌نمایید.... ما در ایران- تاریخ گذشته و اخیرمان نشان داده‌است- در حالی‌که هستیم آن قدر متوقف می‌نماییم تا از خارج تکان‌مان بدهند و یک وضع دیگر نشان مان بدهند. با چنین حرکتی کسی چندان مخالف نیست و اگر مخالفت‌هایی ابراز شود به مرور زمان تبدیل به موافقت و حتی تبعیت می‌شود اما اگر بنا شود تغییر و ابداع از داخل و از ایرانی‌ها بجوشد سیل تمسخر و کارشکنی‌است که از هر طرف سرازیر می‌گردد. از هر تجدید و تبدیلی که محصول ذهن خودمان باشد فراری و نسبت به آن قبلاً بدبین هستیم.»(بازرگان ۱۳۷۸: ۱۲۴-۱۲۳).

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]

دکتر مصدق در خصوص وابسته بودن پهلوی و در جواب شاه که در کتاب مأموریت برای وطنم خود را صاحب کرامت و الطاف الهی را شامل حال خود می‌داند و مدعی است چندین بار بارقه‌ی الهی در دل او درخشید، می‌نویسد:

« بارقه‌ی مشیت یزدانی در دل آیزنهاور رییس جمهوری درخشید که تصویب نمود آزادی یک ملتی را با ۴۰٪ از سهام کنسرسیوم مبادله کند و برای اجرای این معاوضه در مرحله‌ی اول دست خط عزل من صادر و کودتای شب بیست و پنج مرداد ۱۳۳۲ شروع گردید که چون به نتیجه نرسید مرحله‌ی دوم آن شروع شد و ۳۹۰ هزار دلار آمریکا بین بعضی از علمای فاسد و امرا و افسران بی‌ایمان تقسیم گردید و به هر یک از آن مردم عادی کشور مورد توجه شاهنشاه هم از این اعتبار مبلغ ناچیزی رسید که همه یک دل و یک زبان زیر نظر آن افسران و درجه‌داران به غارت خانه‌ی من پرداختند، مرا دستگیر و به دادگاه نظامی تسلیم کردند.»(مصدق ۱۳۷۲: ۳۳۸-۳۳۷).

اسلام اصیل: بازرگان در خصوص نبود اسلام، راز عقب ماندگی مسلمانان را دوری از اسلام اصیل می‌داند و می‌نویسد:

«پس به طور خلاصه عقب افتادگی یا انحطاط ملل مسلمان مربوط به قرن اخیر و مدیون استعمار نیست. کما آن که کار یک فرد یا یک دسته نمی‌باشد و در طول یک زمان خاص انجام نگرفته‌است. از روزهای اول، در سقیفه‌ی بنی‌ساعده شروع شد و چهارده‌قرن پله به پله از تحولی به تحول دیگر پس رفتیم و از اسلام‌اصیل کامل دور شدیم....استناد به قرآن و پیش‌بینی قرآن، تقصیر را به گردن افراد معین و دسته‌های ظاهراً مسئول مانند دولت یا روحانیت نمی‌توان گذاشت. اعضای دولت و روحانیت از همین مردم و غالباً از توده‌ی ملت و ساکنین دهات و شهرستآن‌ها بیرون می‌آیند. ...»(بازرگان۱۳۸۷: ۲۷۴).

آزادی و قانون: دکتر محمد مصدق در خصوص نبود آزادی می‌نویسد:

«... آن اعلیحضرت در تمام مدت سلطنت خود از افراد سلب آزادی نمود و حق انتخاب نمایندگان مجلس را که در مملکت مشروطه حق طبیعی و مسلم مردم است از آنان سلب کرد و قرارداد نفت را سی و دو سال تمدید نمود و میلیون‌ها از این کار سوء استفاده فرمود و چه خوب بود که آن پادشاه حیات داشت و قانون از کجا آورده‌ای را جلوی ایشان می‌گذاشتند تا معلوم شود آن ثروت هنگفت را از چه ممری تحصیل نمود.»(مصدق ۱۳۷۲: ۱۹۶)

دکتر مصدق باز در خصوص نبود آزادی و قانون می‌نویسد:

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]

«چنانچه در حکومت مشروطه هم شاه هر چه می‌خواست می‌کرد و مسئول هم نبود دیگر لزوم نداشت ملل عالم برای سرنگون کردن دستگاه‌استبداد انقلاب کنند، کشته و تلفات بدهند تا به آزادی و حکومت مشروطه برسند. من تازه دارای این عقیده نشدم و روز نهم آبان ماه ۱۳۰۴ هم که در مجلس پنجم تهدید به قتل شده‌بودم دارای همین عقیده بودم و در جلسه‌ی علنی گفتم هم شاه هم رییس‌الوزراء هم وزیر جنگ و هم فرمانده‌ی کل قوا چنین حکومتی در زنگبار هم نیست. اگر سر مرا ببرند و مرا قطعه‌قطعه و ریزریزم بکنند به این حکومت رأی نمی‌دهم. بیانات ان روز من نه فقط از این نظر بود که تصویب ماده‌ی واحده‌ی مشروطه را به‌استبداد تبدیل می‌نمود و از مردم سلب آزادی می‌کرد بلکه جهات دیگری هم داشت که مخالف با قانون اساسی و مخالف با اصول بود. ماده‌ی واحده مخالف با قانون اساسی بود از این نظر مجلس شورای ملی که مجلس عادی است نمی‌توانست قانونی بر خلاف قانون اساسی وضع کند و این کار را می‌بایست مجلس مؤسسان بکند که بعد به آن صورت تشکیل شد و کرد.»(مصدق۱۳۷۲: ۲۲۷).

• مهمترین دقایق این گفتمان چیستند و چگونه در اطرف نقطه‌ی‌کانونی یا دال‌تهی مفصل‌بندی شده‌اند؟ مهمترین دقایق این گفتمان عبارتند از: آزادی، اسلام، معاد، نبوت، امامت، عدالت، شهادت، اجتهاد، مشروطیت، استقلال، مردم و ملت، ناسیونالیسم، لیبرالیسم، دموکراسی و سلطنت. همه‌ی این دال‌های حول نقطه‌ی کانونی قانون مفصل‌بندی شده‌اند و همان معنایی را می‌گیرند که قانون اساسی مشروطه به آن‌ها داده‌است.

• براساس منطق تمایز در این گفتمان چه خرده‌گفتمان‌هایی یافت می‌شود؟ گفتمان مشروطه دارای دو زیر گفتمان یا گفتمان فرعی است: یکی گفتمان مشروطه‌ی غیرمذهبی که توسط جبهه‌ی ملی نمایندگی می‌شد و دیگر گفتمان مشروطه‌ی مذهبی که نمایندگی ان را نهضت آزادی ایران بر عهده داشت.

• اسطوره‌ی این گفتمان چیست؟ این گفتمان چه چیزی را نفی می‌کند و چه وضع مطلوب و ایده‌الی پیشنهاد می‌کند؟ این گفتمان، سلطنت استبدادی، سوسیالیسم، لیبرالیسم مطلق و گفتمان سلطنت‌اسلامی را نفی و سلطنت مشروطه را که مبتنی بر قانون اساسی و رعایت کننده قوانین شرعی باشد به عنوان وضع ایده‌آل و مطلوب برای ایران پیشنهاد می‌نماید.

بازرگان در نفی گفتمان سلطنت اسلامی و به طور خاص تفسیرش از اسلام می‌گوید:

«..... اگر به خود و به روحانیت جلیل و محترم‌مان برنخورد، باید گفت که نه تنها نسبت به گذشته گامی به جلو برنداشته‌ایم، بلکه درک اسلام و جنبه‌ی اجتماعی عظیم آن را هم نکرده‌ایم، حتی خیلی

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]

هم به عقب برگشته، مانند زمان حضرت موسی(ع) در صدف تنگ امور شخصی هستیم، فردی فکر می‌کنیم، فردی زندگی می‌کنیم و فردی عمل می‌کنیم. کلاهمان خیلی پس معرکه‌است! اولاً: امروز هم وقتی می‌خواهیم فایده یا ضرورت دین را تعلیم دهیم یا پیش خود مجسم نمایی، می‌گوییم: مسلمانی موجب طهارت، سلامتی شخصی، خوش‌رویی!!، خوش اخلاقی، خوش رفتاری او با دیگران و مانع دزدی، تقلب، زنا و سایر مفاسد می‌شود.

طرف هم فوراً جلوی ما مدل می‌گذارد و می‌گوید: پس ملل اروپا که مسلمان نیستند و ژاپنی‌ها و غیره باید در منجلاب کثافت، تاریکی، بدبختی، درندگی و بیچارگی افتاده‌باشند؟!

این استدلال البته خیلی کهنه و قدیمی و متعلق به دورانی است که افراد به صورت مجزا یا واحدهای کوچک زندگی می‌کردند و جاهل و عاجز و منفرد بودند.

احتیاج به دین به لحاظ احکام و نظامات در داخل یک خانواده یا یک کشور به آن ضرورت و شدت که در دنیای کهن احساس می‌شد، امروز احساس نمی‌شود. ولی ... .

اگر تعدی و تجاوز از حدود نفس به خود، یا به دیگری از داخل خانواده خارج شده، روابط همسایه و هموطن در ممالک مترقی و متمدن معتدل تحت نظم و نسقی درآمده‌است. این تعدی و تجاوز عدم‌اعتدال و اتحاد و الفت در خارج از سرحدات به وجه شدید وجود دارد. باز هم بشریت مانند قرون گذشته گرفتار ناامنی و اضطراب است.»(بازرگان۱۳۷۷: ۴۹).

بازرگان همچنین در نفی گفتمان سوسیالیسم و کاپیتالیسم مطلق می‌گوید:

«در دنیای غرب می‌دانید دو بلوک یا دو رژیم. دو مکتب در مقابل یکدیگر است: کمونیسم، و دنیای(به قول خودشان) آزاد. اتفاقاً، با وجود تمام اختلافات و تضاد این دو بلوک یا مکتب به لحاظ هدف و مقصد، یکی بیش نیستند. هر دو در پی دنیا و سلامت و خوشی زندگی دنیا هستند. مسایل و موضوعاتی که دایماً در اطرافش تحقیق و تلاش می‌نمایند، کلاً از نوع خورد و خوراک و مسکن و بهداشت و آسایش ایام عمر دنیاست. منتها کمونیسم صاف و پوست کنده می‌گوید«چیزی جز مادیات وجود ندارد، افزار تولیدی گردانندهٔ بشر است و هدف مادیات می‌باشد.»کاپیتایستهای مسیحی به صورت ظاهر پای اخلاق و انسانیت و معنویت را در میان می آورند. ولی بعضی‌ها دروغ می‌گویند و اصلاً عقیده به آن‌ها نداشته، مادی دنیاپرست کامل هستند، بعضی دیگر که عقیده و علاقه دارند، آن‌ها وسیله‌ای برای تأمین سلامت و سعادت دنیایی فرد و اجتماع می‌دانند. خلاصه این که هر دو دسته طالب دنیایند و مصالحی جز مصالح دنیا، در دنیای متمدن مطرح نیست! »(همان۶۷).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]

بازرگان با مرور ایدئولوژی‌های در رد لیبرالیسم و آزادی مطلق فرد می‌نویسد:

«مکتب‌های امروز دیگر مانند فلسفه‌ی سیاسی قرن هفدهم که تفوق خود فرد را وارد حقوق طبعت کرده و کلام کانت که گفته بود فرد بنا به منطق و اخلاق ارجح است، برای حقوق فرد اصالت و تقدم بر جامعه قایل نیستند. از طرف دیگر آزادی بی بند وبار برای انسان دیگر نه معقول شناخته می‌شود، نه ممکن و نه مصلحت. علاوه بر آن تمایل محسوسی هست که آزادی افراد را در ورای آن چه به آزادی دیگران نیز مستقیم لطمه نزند، محدود و مشخص سازند. »(همان: ۲۷۳)

بازرگان همچنین اصل الهی بودن حکومت و سلطنت و به عبارت دیگر گفتمان‌سلطنت‌اسلامی را رد می‌کند و حکومت را دارای ریشه و مشروعیت مردمی می‌داند. بازرگان با بررسی ایدئولوژی‌های مختلف می‌نویسد:

« در مکتب رواقیون و حکومت‌های نیمه جهانی جانشینان اسکندر(و در سلسله‌های استبدادی شرق مانند فراعنه‌ی مصر) حتی تا زمان لویی چهاردهم، فکر این که سلطنت ودیعه‌ای الهی بوده، شاه باید مورد پرستش و اطاعت کورکوانه‌ی مردم قرار گیرد از پایه‌های دولت محسوب می‌شد. اصل فوق مدتهاست اعتبار خود را از دست داده‌است. اگر عملاً طرفداران و بهره‌بردارانی داشته‌باشد، جرآت تصریح و تبلیغ مستقیم آن را نمی‌کنند، بلکه از طریق تظاهرات مذهبی و حتی خرافی جایگاهی خود در ذهن عوام جستجو می‌نمایند[1].»(همان: ۲۷۰).

بازرگان درباره حکومت مورد نظر خود در اسلام که در واقع همان اسطوره گفتمان سلطنت مشروطه‌ی مذهبی، یعنی سلطنت مشروطه‌است، می‌نویسد:

«بدیهی است که قبول ایدئولوژی الهی و حکومت مطلقه و عالیه‌ی الهی به معنای هرج و مرج نیست، بلکه حکومت و حاکمی باید وجود داشته باشد. منتهی در اسلام حکومت از خود اصالت و اختیاری نداشته، مأمور اجرای احکام و اوامر الهی از یک طرف و نماینده‌ی مردم در مباشرت امور و اموال آن‌ها از طرف دیگر می‌باشد ..... اسلامدرباره چگونگی اجتماع و مشاوره‌ی مردم و طرز انتخاب امام، مانند موارد دیگر، وارد در جزییات و شکل کار نشده‌است. مصلحت هم نبوده‌است بشود. اجراییات و شکل حکومت و اداره‌ی اجتماع حالت متغیر داشته، بر حسب ممکنات و مقتضیات تابع زمان و مکان است و به عهده‌ی عرف می‌باشد. در ایدئولوژی اسلامی هم لزومی ندارد بیش از اصول چیزی را تعیین نماییم.

۱. مقاله‌ی بعثت و ایدئولوژی سخنرانی جشن مبعث بازرگان در سال ۱۳۴۳ در زندان قصر.

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]

امر مسلم این است که اداره‌ی اجتماع و امور حکومت، باید با مشارکت و مشورت عموم، اعم از طرفدار و غیرطرفدار و با موافقت اکثریت باشد. زمامدار کل، خواه رییس جمهور، خواه پادشاه، صدر هیأت اجراییه یا صدراعظم همه کاره، اگر بدون مشورت و مخصوصاً بدون رضایت اکثریت باشد، باطل است.»(همان: ۳۰۵-۳۰۱).

دکتر محمد مصدق به عنوان یکی از ارکان گفتمان سلطنت مشروطه، که نهضت آزادی خود را پیرو او می‌داند، حکومت مطلوب را سلطنت مشروطه می‌داند و در این باره می‌نویسد:

«در مملکت مشروطه شاه سلطنت می‌کند و ملت حکومت وقتی که حق ملت را غصب کنند انتخابات نمایندگان مجلسین را که حق مشروع و مسلم هر فردی از افراد مملکت است از آن‌ها سلب نمایند هر یک از دول بیگانه هم می‌خواهد از یک مملکت بی‌صاحبی سوء استفاده نماید. بلوک غرب از مجلسین و دولت استفاده می کرد دولت اتحاد جماهیر شوری هم احزابی از افراد متمایل به رژیم خود تشکیل داد تا بتواند با بلوک غرب رقابت نماید. اینجانب می‌خواستم بین احزاب ملی ایجاد وحدت کنم که با هم تشریک مساعی کنند چون این کار سبب نشد که ذهن اعلیحضرت همایون شاهنشاهی را مشوب و چنین وانمود نمایم که از تقویت احزاب نظری نیست جز تغییر رژیم از هر گونه عملی راجع به این کار خودداری کردم و با این که تشکیلات و برنامه‌ی واحدی نبود مردم وطن‌پرست هر موقع صف‌آرایی کردند از مصالح مملکت دفاع نمودند.»(مصدق ۱۳۷۲: ۲۳۸-۲۳۷).

• این گفتمان چه سوژه‌هایی را معرفی و خلق می‌کند؟ سوژه‌های مهم این گفتمان عبارتند از: مردم، کارگران، جوانان، زنان، کمونیست، مارکسیست، غرب، حزب توده، حزب توده، کارمندان، روحانی‌سیاسی، روحانی غیر سیاسی و سنتی، استکبار، استعمار، امام خمینی، پادشاه مستبد، پادشاه مشروطه، روشنفکر، طاغوت، ظالم، غربزده، محروم، مستضعف، مسلمان و ملی‌گرا.

• با توجه به منطق هم ارزی و تمایز هر سوژه دارای چه هویتی(مثبت منفی) است یا چگونه بازنمایی می‌شود(مثبت یا منفی)؟ مهمترین سوژه‌های مثبت این گفتمان عبارتند از: مردم، کارگران، زنان، جوانان، غرب، کارمندان، روحانی سیاسی، امام خمینی، پادشاه مشروطه، روشنفکر، محروم، مستضعف، مسلمان و ملی‌گرا. مهمترین سوژه‌های منفی این گفتمان عبارتند از: کمونیست، مارکسیست، استکبار، استعمار، روحانی غیرسیاسی و سنتی، پادشاه مستبد، طاغوت، ظالم و غربزده.

• مهمترین موقعیت‌های سوژه‌ای این گفتمان چیستند؟ مهمترین موقعیت‌های سوژه‌ای این گفتمان

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]

به ترتیب اهمیت عبارتند از: مردم، مجلس، پادشاهی مشروطه، دولت. در این گفتمان قدرت از آن مردم است که طبق قانون به مجلس و پادشاه و دولت تفویض می‌شود.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]

۷. جمع بندی و نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف پاسخ به سوال "بر اساس رویکرد تحلیل گفتمان شباهتها و تفاوتهای گفتمان امام خمینی و دکتر علی شریعتی چیست؟"به نگارش در آمده‌است. چهارچوب مفهومی این مقاله نظریه معنای لاکلاو و موفه است و با رویکرد تحلیل گفتمان سعی نموده‌است به سوال اصلی مقاله پاسخ دهد. با توجه به مصدقی بودن نهضت‌آزادی و پایبندی این نهضت به اصول جبهه‌ی ملی و قانون اساسی مشروطه، جهت شناخت عناصر و اجزای گفتمان سلطنت مشروطه با گرایشات مذهبی، باید گفتارها و نوشتارهای دکتر محمدمصدق، مهندس مهدی بازرگان قانون اساسی مشروطه و مرامنامه‌ی نهضت آزادی[1] را به عنوان متون اصلی این گفتمان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

یافته‌ها و نتایج مقاله نشان داد که در ابعاد معناد دهی به جهان، گفتمان سلطنت مشروطه به هر چهار بعد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این جهان ما معنا می‌بخشد. این گفتمان سعی دارد، هم به دنیا و هم به مرگ و آخرت معنا ببخشد اما بیشتر تأکیدش بر حیات دنیوی است. از لحاظ دنیوی این گفتمان معنای خاصی را به هر چهار بعد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اعطا می‌نماید. این گفتمان سعی دارد با ترکیب اصول لیبرالیسم، اسلام، ملیت ایران این معنای خاص را به ابعاد مختلف جهان ببخشد. برای این گفتمان اصول لیبرالیسم در حکم هسته و برحسب متقضیات و شرایط جامعه‌ی ایران اصول اسلامی حکم پوسته و ابزار را دارد. بعد اجتماعی از نظر این گفتمان بر اساس سه نظام دانایی غرب(لیبرالیسم)، سنت گذشته‌ی ایران و اسلام معنا می‌یابد.از لحاظ اقتصادی این گفتمان باور به اقتصاد لیبرالی و همچنین دخالت دولت برای برقراری عدالت اقتصادی دارد. از لحاظ سیاسی این گفتمان باور به ارتباط دین و سیاست و اعتقاد به حکومت سلطنتی مشروطه مبتنی بر قانون اساسی و حافظ شریعت اسلام دارد. از لحاظ فرهنگی این گفتمان معتقد به تلفیقی از فرهنگ اسلامی، ایرانی و فرهنگ غربی تحت عنوان " فرهنگ عصر حاضر" است. نقطه‌ی کانونی در این گفتمان قانون است. دال برتر(هویت) اصلی در این گفتمان ایرانی است ولی پس از ایرانی واژه مسلمان هم مبین هویت افراد در این گفتمان است. دال‌های تهی این گفتمان عبارتند از: استقلال، آزادی، قانون، اسلام اصیل. مهمترین دقایق این گفتمان عبارتند از: آزادی، اسلام، معاد، نبوت، امامت، عدالت، شهادت، اجتهاد، مشروطیت، استقلال، مردم و ملت، ناسیونالیسم، لیبرالیسم، دموکراسی و سلطنت.. گفتمان مشروطه دارای دو زیر گفتمان یا گفتمان فرعی است: یکی گفتمان مشروطه‌ی غیرمذهبی که توسط جبهه‌ی ملی نمایندگی می‌شد و دیگر گفتمان

۱. مرامنامه‌ی نهضت آزادی و قانون اساسی مشروطه عیناً در ضمایم مقاله آورده خواهد شد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]

مشروطه‌ی مذهبی که نمایندگی آن را نهضت آزادی ایران بر عهده داشت. این گفتمان، سلطنت استبدادی، سوسیالیسم، لیبرالیسم مطلق و گفتمان سلطنت‌اسلامی را نفی و سلطنت مشروطه را که مبتنی بر قانون اساسی و رعایت کننده‌ی قوانین شرعی باشد به عنوان وضع ایده‌آل و مطلوب برای ایران پیشنهاد می‌نماید. سوژه‌های مهم این گفتمان عبارتند از: مردم، کارگران، جوانان، زنان، کمونیست، مارکسیست، غرب، حزب توده، حزب توده، کارمندان، روحانی‌سیاسی، روحانی غیر سیاسی و سنتی، استکبار، استعمار، امام خمینی، پادشاه مستبد، پادشاه مشروطه، روشنفکر، طاغوت، ظالم، غربزده، محروم، مستضعف، مسلمان و ملی‌گرا. مهمترین سوژه‌های مثبت این گفتمان عبارتند از: مردم، کارگران، زنان، جوانان، غرب، کارمندان، روحانی سیاسی، امام خمینی، پادشاه مشروطه، روشنفکر، محروم، مستضعف، مسلمان و ملی‌گرا. مهمترین سوژه‌های منفی این گفتمان عبارتند از: کمونیست، مارکسیست، استکبار، استعمار، روحانی غیرسیاسی و سنتی، پادشاه مستبد، طاغوت، ظالم و غربزده و مهمترین موقعیت‌های سوژه‌ای این گفتمان به ترتیب اهمیت عبارتند از: مردم، مجلس، پادشاهی مشروطه، دولت. در این گفتمان قدرت از آن مردم است که طبق قانون به مجلس و پادشاه و دولت تفویض می‌شود.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]

فهرست منابع

- آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب(درآمدی بر جامعه‌شناسی‌سیاسی معاصر)، ترجمه‌ی احمدگل‌محمدی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸.
- اسناد نهضت آزادی ایران
- اسناد لانه جاسوسی
- ادیب حاج باقری، محسن و همکاران، روش‌های تحقیق کیفی، تهران، نشر بشری، ۱۳۸۵.
- بازرگان، مهدی، مجموعه‌ی آثار ۱۱(مباحث اعتقادی و اجتماعی)، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵.
- بازرگان، مهدی، مجموعه‌ی آثار ۱ (مباحث بنیادین: راه طی شده، عشق و پرستش و ذرّه‌ی بی انتها)، تهران، بنیاد فرهنگی بازرگان، انتشارات قلم، ۱۳۷۷.
- بازرگان، مهدی، مجموعه‌ی آثار ۲(بعثت۱)، تهران، بنیادفرهنگی مهندس مهدی بازرگان، انتشارات قلم، ۱۳۷۷..
- حاجی زاده، سیروس، بررسی نظری و تاریخی مواضع نهضت آزادی در برخورد با انقلاب اسلامی، مجله پانزده خرداد، شماره۷، ۱۳۸۵، صص ۱۹۱- ۱۳۶.
- حسنی فر، عبدالرحمان، و سید مصطفی نقوی مقدم، بررسی نهضت مردم ایران در سالهای ۱۳۵۷-۱۳۵۶ در مقایسه با آراء و مواضع جریان های سیاسی فکری آن دوره، پژوهشهای انقلاب اسلامی، شماره ۱۴، ۱۳۹۴، صص ۲۱-۱
- جوادی نیا، حسن و سعید باقرپور، درآمدی بر انقلاب اسلامی با تکیه بر نهضت آزادی ایران، رهیافت تاریخی، شماره ۲۶، صص ۸۰- ۵۹
- فرکلاف، نورمن، تحلیل انتقادی گفتمان، شایسته پیران...[و دیگران] و یراستاران محمد نبوی، مهران مهاجر، تهران، وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، ۱۳۷۹.
- قانون اساسی مشروطه.
- کجباف، علی اکبر، رابطه نهضت آزادی با جبهه ملی دوم در نهضت امام خمینی، شماره۲، صص ۱۶۷- ۱۴۵
- لؤلؤیی، کیوان و ایوب نظری و مسلم نوروزنژاد، مواضع سیاسی نهضت آزادی ایران در ارتباط با سالهای آخر سلطنت پهلوی(۱۳۵۹-۱۳۵۷)، مجله تاریخ، شمتاره۱۹، ۱۳۹۲، صص ۱۲۱-۹۹
- مک دانل، دایان، مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان، ترجمه‌ی حسین علی نوذری، تهران، فرهنگ‌گفتمان، ۱۳۸۰.
- مرامنامه نهضت آزادی ایران
- متمم قانون اساسی مشروطه
- مصدق، محمد، خاطرات و تألمات دکتر محمد مصدق، با مقدمه غلامحسن مصدق، به کوشش ایرج افشار، تهران، علمی، ۱۳۷۹
- نش، کیت، جهانی شدن سیاسی معاصر: سیاست و قدرت، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، کویر، ۱۳۸۰.
- نجاتی، غلامرضا، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران(از کودتا تا انقلاب)، دوجلدی، تهران، مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۱.

انگلیسی

- Fairclough, Norman(1992), Discours and Social Change, Polity Press, London.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]

- Fairclough, Norman(1995), Media Discourse, Hodder Arnold, London.

- Fairclough, Norman(2001), Critical Discourse analysis as A Method in Social Scientific Research, in Wodak, Ruth &Meyer, Micheal(2001), Methods of Critical Discourse Analysis, SAGE Publicatins, London, Thousand, New Dehli, First Published PP: 121-139

- Howarth, David, Howarth, David and Stavrakakis, Yannis(2000), Introgucing Discourse Theory and Political Analysis, inNorval, Aletta J and Stavrakakis, Yannis(ed), Discourse Theory and Political Analysis(Identies, Hegemonies and Social Change),Manchester University Press, First Published, Manchester and New York,pp: 1-25

- Jorgensen Marianne and Louise Phillips(2002), Discourse Analysis As Theory and Method, SAGE Publications, London, Thousand Oaks New Dehli , First Published.

- Laclau,E. and Mouffe,C. (1985), Hegmony and Socialist Strategy:Towards a Radical Discours Politics, Verso, London.

- Meyer, M(2001), Between theory, Method and Politics: Positioning of The Approaches to CDA, In Ruth Wodak and Michael Meyer (ed.), Methods of Critical Discourse Analysis, london,Sage PP: 14 -31.

- Meyer. M, Wodak, Ruth (2001), Methods of Critical Discorse Analysis, London , Sage.

- Norval, Aletta J(2000), Trajectories of Future Discourse Theory, in Howarth, David, Norval, Aletta J and Stavrakakis, Yannis(ed)(2000), Discourse Theory and Political Analysis(Identies, Hegemonies and Social Change), Manchester University Press, First Published, Manchester and New York,PP:219-236.

- Wodak, Routh (1987), And Where is Lebanon, A Socio – Pshycholinguistic Investigation of Comprehention and Intelligibility of News. Text, Vol. 7, no. 4, PP: 337 – 410 .

- Wodak, Ruth, (2001), The Discourse-Historical Approach, in Wodak, Ruth &Meyer, Micheal, Methods of Critical Discourse Analysis, SAGE Publicatins, London, Thousand, New Dehli, First Published, PP: 63- 94.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۲۰۱۰۳

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

قجری، حسینعلی (۱۴۰۱)، «تحلیلی گفتمانی بر گفتمان نهضت آزادی ایران (سلطنت مشروطه) در آستانه انقلاب اسلامی ایران» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۲، ش۱، بهار ۱۴۰۱، صص ۷۶-۴۵.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.3.8]